

ترکش گرانی برتن توان یابان

توان یابان مهدی از هزینه های سرسام آور خرید و تعمیر وسایل توان بخشی می گویند



گزارش روز

«ویلچرهای من است، آن را بگیرند، زندگی ام تباه است». جملات را از سر درد و استیصال می گوید، آن هم نه به خاطر خودش؛ چون وضعیت مالی مناسبی دارد و تقریباً از پس هزینه ها برمی آید، بلکه به جای هزاران نفر دیگری حرف می زند که با معلولیت دست به گریبان هستند و به ویلچر، سمک، عصا، واکر و... نیاز دارند. اما تهیه هر کدام از آن ها برایشان تقریباً از زویی دست نیافتنی است. کمبودها تنها به نداشتن ویلچر و عصا و واکر بر نمی گردد و هزارویک مشکل دیگر را هم شامل می شود.

ویلچر زهوار در رفته و خانه نشینی

زهوار ویلچرش در رفته و مدت هاست خانه نشین شده است و حتی توان رفتن تا سر کوچه را هم ندارد اما ترجیح می دهد هزینه ای را که قرار است صرف و خرج تعمیر ویلچر شود، برای تأمین معاش خانواده استفاده کند. می گوید: عمرش را کرده است. دیگر قابل استفاده و تعمیر نیست. چاره ای نیست؛ باید همین طور سرکنم، حتی اگر قرار باشد خانه نشین شوم.

شاید باورتان نشود، ولی من می دانم برخی خانواده ها پوشینه را خشک و دوباره استفاده می کنند

روایت بازار

روبه روی بیمارستان شهید هاشمی نژاد، راسته کوچکی است مخصوص فروش تجهیزات پزشکی و توان بخشی، مرد سالمندی روی صندلی نشسته است و فروشنده، سمک روی گوش را امتحان می کند. جوانی که از قرار معلوم پسرش است، برای حرف زدن از او فاصله می گیرد تا محصولی را که برای خرید انتخاب کرده اند، امتحان کند. لهجه دارند و ترکی حرف می زنند. اصلاً متوجه مکالمه آن ها نمی شویم اما پاسخ های به موقع پدر و لیخنند رضایت پسر، مشخص می کند که از سمک انتخابی شان رضایت دارند.

سید هاشم هاشمی نژاد از اینکه پدرش حالا دیگر می شوند، ذوق زده است. قبل از شروع هر صحبتی چند بار پشت سرهم تکرار می کند «نوکر بابا هستیم». می گوید: پدرم پیروگوشی دارد و مدت هاست دنبال یک سمک مناسب هستیم. همه جا را برای پیدا کردن یک جنس مرغوب و مناسب زیرورو کردیم. قیمت ها خیلی باهم فرق دارد. مجموعه فروش تجهیزات در این راسته را یکی از دوستان معرفی کرد. قیمت ها تقریباً یک سوم همه جاست. نمی دانم علت این همه تفاوت در قیمت به کجا برمی گردد. این دیگر وظیفه شما رسانه هاست تا موضوع را پیگیری کنید.

علی طاهری، فروشنده مغازه، هم همان لحظه، بدون مکث پاسخ می دهد: همه چیز دستخوش تورم و افزایش قیمت در بازار است. انتظار نداشته باشید تجهیزات پزشکی و توان بخشی از این موضوع درمان مانده باشد.

او موضوع دیگری را هم گوشزد می کند: قیمت وسایل توان بخشی در کلینیک ها بیشتر است؛ مثلاً همین سمکی را که ما ۴ میلیون تومان می فروشیم، در مراکز درمانی و کلینیک ها تا ۱۲ میلیون تومان به حساب بیمار می نویسند.

فشار مضاعف بر توان یابان

علی اکبر عزیزی، فروشنده دیگر این راسته است که او هم به تحت تأثیر قرار گرفتن بازار از تورم افسارگسیخته اشاره می کند و می گوید: متأسفانه فشار بر دوش توان یابان، مضاعف است، به خاطر شرایطی

پوشک های دوبار مصرف!

حالا صدایش به نشانه اعتراض بلندتر شده است. برای چندمین بار می پرسد: گفتن این حرف ها اصلاً چه تأثیری دارد و چه دردی را دوا می کند؟ او واقعیت تلخ دیگری را هم روایت می کند: غالب کسانی که ضایعه نخاعی دارند، به خاطر مشکلات ادرار احتیاج به «سونداژ» و حتی «ایزی لایف» دارند. به یقین می توانم بگویم ۸۰ درصدشان این مشکل را دارند و باید از پوشینه (ایزی لایف) استفاده کنند. حالا شما خودتان حساب کنید در هفته چند بسته، نیاز مصرفی یک شخص است. شاید باورتان نشود، ولی من می دانم برخی از خانواده ها آن را خشک و دوباره استفاده می کنند.

حالا صدایش آن قدر بلند شده است که همه اطرافیان متوجه گفت وگو می می شوند. مشکلات مربوط به توان بخشی، یکی دو تا نیست و بی شمار است.

هرچه پیش تر می رود، گلایه هایش هم بیشتر می شود. توان یابان هم مثل دیگران حق زندگی خوب و حمایت کردن دارند. بیشتر افراد دارای ضایعه نخاعی، مثلاً به عفونت های شدید ادراری هستند و همه این مشکلات باید مد نظر مسئولان قرار گیرد.

سنگین است و حتی افرادی مثل من هم از پس آن بر نمی آیند. می گوید: این حرف ها را به حساب هر چیزی که دلتان می خواهد، بگذارید؛ غر زدن، اعتراض و درد دل و... ولی لطفاً برای چند دقیقه خودتان را جای من بگذارید که ویلچر پای من است و حق من است که بهترین نوع آن را داشته باشم. آیا شما می دانید قیمت یک ویلچر مناسب که بتوان روی آن حساب کرد، ۶۰ میلیون تومان است؟ این ها را بگذارید کنار هزینه های دیگری مثل فیزیوتراپی، کاردرمانی، تشک های مواجی که روی ویلچر حتماً باید استفاده شود و... فکر می کنید چند امکانات استفاده کنند؟

خوش نیت دوباره می گوید: تخت، تشک ویلچر و... تجهیزات مورد استفاده معلولان جسمی و حرکتی است. ما باید تشک مواج روی ویلچر داشته باشیم وگرنه زخم بستر می گیریم. به این موضوع به اصطلاح معمول، بدسورگفته می شود؛ چون جریان خون رسانی به صورت کامل انجام نمی شود. حالا فکر کنید یک توان یاب بابت چطور می تواند این کالا را تهیه کند. در حالی که قیمت تشک ها دست کم از ۳ میلیون تومان شروع می شود؟

روایت های زیادند از توان یابان مختلفی که حرف هایشان در همین چند عبارت خلاصه می شود: «قیمت ها افزایش یافته اند، اما کیفیت ها ارتقا پیدا نکرده اند». گرانی لوازم توان بخشی و حتی تعمیر آن ها، هزینه مضاعفی را بر خانواده توان یابان تحمیل می کند و واقعیت تلخ تر این است که خدمات درمانی و تأمین اجتماعی و هیچ بیمه دیگری، وسایل توان بخشی را تحت پوشش نمی گیرد. حال این پرسش پیش می آید آن ها که معمولاً کسب و کار درست و درمانی ندارند، چطور می توانند از پس این هزینه ها برآیند.

بار این هزینه حتی بر دوش کسانی هم که درآمد ثابت و مشخصی دارند، سنگین است؛ مثل دانشجوی ممتازی که جریان زندگی او را حادثه ای در سال ۱۳۸۲ تغییر داد و سرنوشت متفاوتی را برایش رقم زد. با اینکه ضایعه نخاعی مسیر زندگی نسا خوش نیت را تغییر داده و بعد از آن ویلچر جای پاهایش را گرفته است، او پشتکاری مثال زدنی دارد و هیچ چیز مانع تلاشش نشده است. خودش می گوید: معلم هستم و مدیر یکی از مراکز مثبت زندگی بهزیستی با درآمد مناسب، اما باور کنید هزینه های توان بخشی،

تعمیرات گران

می تواند صحبت کند و با استفاده از سمک مناسب، پاسخ تلفن را بدهد اما گران است دیگر.

توان یابان: در حصار مشکلات

مشکل شنوایی زهرار هگدزی، مادرزادی است و می گوید از سمک استخوانی استفاده می کنم. او هم اگر گران لوازم گلایه دارد: نمی دانم مشکل از تورم است یا نبود نظارت که قیمت سمکی که در سال ۱۳۹۹ با ۸ میلیون تومان می توانستیم تهیه کنیم، حالا به ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان رسیده است. علاوه بر این سمک ها باید صبح تا شب روش باشند و احتمال آسیب دیدن و خرابی شان زیاد است، در حالی که بهزیستی آن ها را تقبل نمی کند. به این ها اضافه کنید هزینه های توان بخشی دیگری که توضیح دادن در مورد آن ها وقت زیادی می خواهد، این ها در حالی است که غالب توان یابان، شغلی ندارند و گاهی مجبورند به همان شرایط سخت تن بدهند، بدون اینکه از وسایل توان بخشی استفاده کنند.

کاسه «چه کنم» در دست توان یابان

علیرضا مین باشی، توان یاب جسمی و حرکتی، هم گلایه هایی مشابه دیگران دارد و وقتی همان اول کلامی یکر است می رود سراغ این موضوع که قیمت تجهیزات توان بخشی افزایش یافته است و ترکش آن، جامعه توان یابان را هدف می گیرد. او تعریف می کند: حتی ویلچرهای خوب و استاندارد بعد از دوسه سال

اعظم طوسی مادر دو فرزند ناشنواست و ۳۳ سال است صبح تا شامش به مشکلات آن ها گره خورده است. البته عروس خانواده هم ناشنواست. او هم دوست داشت فرصتی بود و می توانست مفصل در این مورد حرف بزند؛ درباره اینکه خیلی از ناشنوایان به خاطر گران بودن هزینه سمک، قید داشتن و استفاده از آن را می زنند و بعد، از انواع مختلف آن می گوید که قیمت هایش با هم فرق می کند؛ سمک های پشت گوش، استخوانی و... و خلاصه می گوید: از هزینه خرید که بگذریم، قیمت تعمیراتش هم سرسام آور است.

گلایه هایش یکی دو تا نیست. می گوید: حساسیت آن ها زیاد است. فکر کنید با کوچک ترین سهل انگاری آسیب می بینند. من همین هفته گذشته، ۷۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برای تعمیر سمک یک گوش پسرم دادم. کافی است غفلت کنند و سرشان را پایین بگیرند تا سمک از گوششان بیفتد. به این ها اضافه کنید باتری هایی که برای سمک باید استفاده شود. یک بسته باتری پنجاه تا شصت هزار تومانی، کفاف استفاده یک هفته شخص ناشنوا را می دهد. با اینکه خدا را شکر خانواده موضوع مالی نسبتاً خوبی دارد، زیر بار هزینه ها مانده ایم. آن ها که ندارند، چه می کنند، خدایمان. مگر مستمری توان یابان از بهزیستی چقدر است که بتوانند با آن، وسایل با کیفیت تهیه کنند؟ در خانواده خود ما مشکل شنوایی یکی از پسرهایم کمتر است. راحت

با کیفیت ترین اجناس را به توان یابان می دهیم

اوادآوری می کند: کالاهایم به دوشیوه و اگر آدمی شود و ما حتی فرصت می دهیم که اگر دوست داشته باشند، خودشان وسایل مورد نیازشان را تهیه کنند؛ یعنی براساس تقسیم بندی دهک ها، کمک هزینه به آن ها اختصاص می یابد و در کنار این، برخی وسایل توان بخشی به صورت انبوه خریداری می شود. سعی می کنیم بهترین و با کیفیت ترین اجناس را تهیه کنیم. البته طرحی را پیشنهاد دادیم تا خود توان یاب امکان خرید کردن از سامانه را داشته باشد و طبق نظر خود، وسیله مورد نیازش را تهیه کند و حتی شرایطی فراهم کرده ایم تا امکان تعمیر لوازم توان یابان وجود داشته باشد.

وسایل توان بخشی شده و این رقم در سال گذشته ۳۵ میلیارد تومان بوده است. علیراده از تشکیل کمیته فنی برای خرید وسایل توان بخشی خبر می دهد و می گوید: برخی توان یابان به نمایندگی از بقیه در این مجموعه حضور دارند، مثلاً برای توان یابان جسمی و حرکتی یک نفر از خودشان حضور دارد. در مجموع تیمی از افراد متخصص و فنی هستند که باید آیتم هایی را برای خرید لحاظ کنند؛ البته باتوجه به شعار حمایت از تولید ملی، اجناس باید ایرانی باشد و علاوه بر این، کالاهای باید از طریق سامانه خریداری شود. اما تا آکید می کنم که بهترین و با کیفیت ترین اجناس را خریداری می کنیم.

معاون توان بخشی اداره کل بهزیستی خراسان رضوی از وجود بیش از ۱۴۰ هزار پرونده توان بخشی در زمینه های مختلف خبر می دهد. با حمید رضا علیراده درباره دو موضوع صحبت می کنیم؛ اول گرانی تجهیزات توان بخشی که بالای جان توان یابان شده است و دیگر، لوازم بی کیفیت که استهلاک بدن فرد را در بلندمدت به دنبال دارد.

او در همان ابتدای صحبت اشاره می کند به اینکه بهزیستی اعتبارات خوبی را در این زمینه به توان یابان اختصاص داده است؛ در همین چند ماهی که از سال می گذرد، بیش از ۷ میلیارد تومان هزینه خرید